

رویکرد عقلانی در فضاهای مجازی تربیتی

حجت اله الماسی *

چکیده

فضای مجازی با ابزارها و قابلیت‌های خود به شدت آموزش و یادگیری را در اغلب جوامع تحت تأثیر شگفت‌انگیزی قرار داده است به نحوی که در شاخص‌هایی مثل مقرون به صرفه بودن، حجم مخاطبین، سرعت یادگیری، انعطاف پذیری ... گوی سبقت را از آموزش‌های حضوری ربوده است و تمایل به سمت استفاده از این آموزش‌ها با سرعت قابل ملاحظه‌ای رو به افزایش است، از آن‌جا دنیای فضای مجازی مملو از ناشناخته‌ها، تنوع مسیرها، جذابیت، پیچیدگی و ... است هر لحظه یادگیرنده را برای دستیابی به اهداف با جستجو در انبوهی از اطلاعات، انتخاب‌های متعدد، تصمیم‌گیری‌های مختلف روبرو می‌کند، لذا برخورد عقلانی یعنی یادگیرنده با اتکا بر ویژگی‌های انسان عاقل به پایگاه‌ها، منابع و سایت‌ها، شبکه‌های مجازی ورود کند و متولیان امرچاره‌ای ندارند جز این‌که یادگیرندگان را به شیوه‌ای برای ورود به این فضا تربیت کند که بتوانند جستجوها، انتخاب‌ها و تصمیماتی عقلانی گرفته و آنها را به اشتراک بگذارند در غیر این‌صورت نه تنها دستیابی به اهداف مشکل می‌شود بلکه ممکن است به مسیری هدایت شود که هر چه تلاش کند از هدف دورتر شود. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن تعریف مختصر فضای مجازی، ابزارها و بعضی قابلیت‌های آن، با برشمردن ویژگی‌های انسان عاقل محصول تربیت عقلانی، الگویی از راهبردهای تربیت عقلانی همراه با مدل آموزش مباحثه محور مشارکتی در فضای وب ۲ که از قابلیت‌های جدید فضای مجازی می‌باشد معرفی نمائیم و یادگیرنده‌ی فضای مجازی را به سمتی سوق دهیم که در فضای عقلانی با

* دکتری رشته تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول) معاون مرکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه علامه طباطبائی، hojatalmasi53@gmail.com، شماره تماس ۰۹۱۸۳۳۹۴۶۰۸

استفاده از فعالیت‌های تعمقی و پرسش‌های بیانگر عقاید و انتخاب‌های خود را به شکل مباحثه در فضای مجازی به اشتراک گذاشته و بتواند از یک طرف از فرصت‌های ذی قیمت فضای مجازی استفاده نموده و از طرف دیگر با مسلح نمودن او به ابزارهای تشخیص و تفکر انتقادی، خود را از آسیب‌های ناشی از تهدیدهای فضای مجازی مصون بدارد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، وب ۲، تربیت عقلانی، انسان عاقل، آموزش مباحثه محور

مقدمه

دنیای دانش مدار آینده متعلق به آن دسته از محیط‌های آموزشی خواهد بود که به فراگیران توانایی تفکر مستقل و مشارکت جویانه را با هم توسعه داده و تشویق نماید (زارعی، ۱۳۸۴). یادگیرندگان امروزی برای تداوم بخشیدن به کیفیت زندگی، نیل به موفقیت و حتی گاهی اوقات زنده ماندن باید بتواند در محیط‌ها و موقعیت‌های کاملاً "پیش بینی نشده قادر به تصمیم گیری باشند (طلایی...)." تصمیم گیری صحیح در موقعیت‌های متنوع و پیش بینی نشده از ویژگی‌های زندگی در دنیای پیچیده و با شتاب در حال تغییر کنونی است که در سیطره‌ی فضای مجازی است. فضای مجازی یا سایر اسپیس اولین بار در سال ۱۹۸۴ در رمان تخیلی ویلیام گیسون با نام نیور منس مطرح شد این اصطلاح برای توصیف فضای خیالی به کار برده می‌شد، جایی که در آن واژه، روابط، داده‌ها، ثروت و قدرت از طریق ارتباطات به واسطه شبکه‌های کامپیوتری پدیدار می‌شوند (یزدی خواستی، ۱۳۹۲). این دنیا که بر مبنای ارتباطات رایانه‌ای است شیوه‌های جدیدی را برای ارتباط، همکاری و شراکت، بازی و سرگرمی و به طور کلی برای زندگی در بستر اینترنت و حتی در فضای سه بعدی عرضه کرده است، از جمله‌ی این شیوه‌ها؛ بازی‌ها، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی، ویکی‌ها، زندگی دوم و... می‌توان نام برد. بدیهی است آموزش در فضاهای مذکور اساساً با محیط‌های سنتی محصور در مکان و زمان تفاوت دارد، آنچه که از یادگیرندگان در محیط‌های آموزشی مبتنی بر فضای مجازی انتظار می‌رود رشد قوه‌ی تعقل و تفکر انتقادی، خلاقیت و تصمیم گیری شخصی است. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی آموزشی که در آن زمینه تربیت عقلانی آنها در فضای مجازی فراهم آورد از اقتضائات محیط‌های آموزشی و تربیتی است، بدیهی است شیوه‌های تدریس و آموزش سنتی قادر به تأمین اهداف آموزشی و تربیتی در فضای مذکور نخواهد بود، البته این به معنا نفی کامل روش‌های سنتی نیست بلکه ضرورت تطبیق با شرایط احساس می‌شود. لذا می‌توان اظهار نمود اگر در نحوه آموزش متریبان در فضای مجازی شرایطی فراهم شود تا همواره قوه تعقل و تفکر با رویکرد انطباق با نسخه اسلامی آنها درگیر و به تبع آن شکوفا شود به مثابه چراغ راهی در سرزمین‌های ناشناخته مسیر درست را در هر زمینه‌ای به آنها نشان داده و از سقوط آنها در ورطه باطل جلوگیری می‌کند (اعتصامی، ۱۳۸۸).

نتایج تحقیقات در دانشگاه گلیندار در رکسام در شمال ولز با موضوع یادگیری مبتنی بر مساله در صفحات ویکی در بین دانشجویان پرستاری نشان داده است که مشارکت دانشجویان به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: نقش‌هایی که با تکالیف مرتبط نبودند، مشارکت و نقش‌هایی که با تکالیف مرتبط بودند، به اشتراک گذاری منابع اینترنتی. تقریباً "مشارکت در میان سه دسته برابر بود اما مشارکت تکلیف محور و مرتبط با فعالیت ۶۵ درصد میزان کلی را شامل می‌شود. ۸۳ درصد این دانشجویان معتقد بودند ویکی در کمک به اشتراک عقاید و منابع مفید بوده، ۶۸ درصد معتقد بودند پیشرفت گروه کاری آنها به خاطر استفاده از صفحات ویکی بوده است.

در تحقیقی دیگر ساوتر (۲۰۰۸) که تجربه مشابهی با دانشجویان داشت را توصیف می‌کند زمانی که او از فضای مجازی زندگی دوم و دارای کاربران متعدد استفاده می‌کنند علیرغم اینکه در رفتارهای برخی دانشجویان شیطنت مشاهده شد اما بحث‌ها به شیوه‌ای کاملاً "حرفه‌ای برگزار گردید و رها کردن فراگیران از محدودیت‌های دست و پا گیر و سخت گیرانه کلاس فیزیکی باعث تسهیل یک تجربه عمیق و پویا گردید. گفته شده دانشجویان با استفاده از زبان غیر رسمی در بحث‌ها و تبادل نظر در مسائل پیچیده درک روشن‌تری را نشان می‌دهند و توانایی دریافت این درک متقابل را در زبان همسالان خود به نمایش می‌گذارند.

امپریالیسم فرهنگی را فرایندی واقعی از نفوذ اجتماعی می‌داند که از طریق آن یک کشور مجموعه‌ی ارزش‌ها، باورها، دانش‌ها و هنجارهای رفتاری خود و نیز تمام شیوه زندگی‌اش را بر کشورهای دیگر تحمیل می‌کند (ابو، ۱۳۸۵، ص ۶۶) فضای مجازی به بستری برای سیطره امپریالیسم فرهنگی بنیان اینترنت بر کشورهای ضعیف در این زمینه شده است. ضیایی‌پرور کارشناس فضای مجازی ضریب نفوذ اینترنت در جهان ۲ میلیارد و ۲۸۰ هزار نفر و در ایران ۴۳ میلیون نفر است و بیش‌ترین مراجعه نیز در این حوزه به شبکه‌های اجتماعی است. حضور در فضای مجازی در میان کاربران ایرانی به سرعت در افزایش است، این در حالی است که این سایت در ایران فیلتر است (سروش هفتگی، ۱۳۹۱). در نتیجه سیطره‌ی فضای مجازی بر زندگی انسان امروزی ضرورت رشد قوه تمییز و عقلانیت و همچنین آموزش مباحثه محور و مشارکتی بیش از پیش نمایان است. نتیجه پژوهش رافی (۲۰۰۱) نشان می‌دهد یادگیری در فضای مجازی اگر همراه با حل مساله به صورت مشارکتی و گروهی باشد

به این ترتیب که بجای ارائه اطلاعات به فراگیران، سناریوهای مسئله دار به آنها ارائه شود ذهن آنها به چالش کشیده می‌شود و توجه به سمتی جلب می‌شود که از طریق همکاری و مشارکت عملی پارادیم‌ها ی جدیدی بسازند و اذهان آنها به صورت فردی و گروهی چارچوب‌هایی عملی ازفهم و درک خود بسازند.

در این مقاله تلاش شده است با ارائه الگویی از آموزش منطبق با ویژگی‌های انسان عاقل در فضای مجازی، نگاه دست اندرکاران، مربیان، و خانواده‌هایی که با زندگی متریبان در فضای مجازی روبرو هستند به سمتی معطوف نموده که متربی با الگوبرداری از ویژگی‌های انسان عاقل ضمن بهره گیری از فرصت‌های موجود در فضای مجازی با کمک علائم هشدار دهنده در مسیر دستیابی به اهداف حرکت کند.

تربیت عقلانی و مولفه‌های آن

اهل لغت برای واژه "تربیت" دو ریشه ذکر کرده‌اند "ربو" و "ربب". تربیت با توجه به ریشه اول به معنای غذا دادن و بزرگ کردن و معطوف به رشد و نمو جسمانی، و با توجه به ریشه دوم به معنای " پرورش پی درپی یک چیز تا نیل به سرحد کمال و ناظر به رشد جسمانی و معنوی است (بهشتی، ۱۳۷۹). استاد شهید مطهری مفهوم تربیت را معادل پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یکشی موجود است به فعلیت درآوردن و پرورده می‌داند. این پرورش دادن به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودهاست. در مبانی نظری تحول بنیادین در آموزش و پرورش تربیت اینچنین تعریف کرده‌اند: عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰)

با توجه به اقتضائات عصر اطلاعات و جامعه مبتنی بر دانش می‌توان توجه جدی به نکات زیر می‌تواند رهگشا باشد:

تربیت فرآیندی دو سویه است: از یک سو عمل زمینه سازی است که در آن مربیان با طراحی، سازماندهی و تدارک فرصت‌های مناسب در قالب تدابیر و اقداماتی تدریجی، سنجیده (براساس انطباق با خصوصیات و موقعیت متریبان)، هماهنگ و یکپارچه براساس نظام معیار زمینه‌های مناسبی را فراهم می‌سازند؛ از سوی دیگر، عمل کسب توسط متربی است که در آن متریبان نیز با مشارکت فعال در این

فرآیند و استفاده‌ی مناسب از فرصت‌های فراهم شده، شایستگی‌های فردی و جمعی لازم را کسب می‌کنند و از این طریق آماده می‌شوند و آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه را در همه‌ی ابعاد محقق سازند.

تدابیر و روش‌های تربیتی باید به اقتضای طبیعت متربی باشد؛ منظور نمودن ذائقه و سلیقه و امیال متربی شرط لازم برای همسویی او با برنامه‌های تربیتی است. اگر مربی فقط سلیقه و میل خود را برای پیش‌بینی برنامه منظور نماید ره به جایی نخواهد برد.

در عمل تربیتی کوشش و تلاش باید در جهت شکوفا شدن و ظهور استعدادی باشد که در وجود متربی هست؛ انتظار ظهور توانایی‌ها و قابلیت‌هایی که بصورت بالقوه در وجود متربی باشد انتظاری عبث است.

تربیت جریانی تعاملی است؛ یعنی مربیان و خانواده ضمن بکارگیری تدابیر و روش‌های مناسب باید به عکس‌العمل‌ها، انگیزه و حرکات متقابلانه متربی توجه کنند حرکت در جاده یک طرفه روش تربیتی خود بدون نگاه به عکس‌العمل‌ها و انعطاف و تغییر برنامه دادن به مقصد نمی‌رسد.

روش‌های تربیتی باید منطبق با معیارهای پذیرفته شده نظام اسلامی باشد و بدون دخیل نمودن معیارها موجب افراط و تفریط‌های نابجا و منحرف کننده در روش‌های تربیتی خواهد شد و عمل تربیت ناقص و ناکارآمد می‌کند.

همسو شدن متربی با روش‌ها باید کاملاً آگاهانه باشد. آگاهی دادن به متربی نسبت به برنامه‌ها و روش‌ها موجب همراهی و همسویی با علاقه را در پی داشته باشد.

دادن اختیار و آزادی عمل در چارچوب نظام معیار از ارکان مهم روش‌های تربیتی است چرا که اجبار و اکراه باعث دلزدگی و عدم همراهی و ناکارآمدی روش تربیتی است.

پس برای تربیت انسان عاقل، باید ضمن توجه به معیارهای اسلام، قرآن و حیات طیبه، توجه به رفتار مربی و در مقابل متربی و تعاملی بودن همراه با دادن آگاهی لازم و اختیار مبنای عمل قرار داد.

برخی از بازگویی‌های دیدگاه سنتی در زمینه تربیت عقلانی بر خصوصیات از ذهن تأکید می‌کنند که باید از طریق تعلیم و تربیت رشد یابند و این امر را منوط به انواع معرفتی می‌دانند که قرار است این ویژگی‌ها از طریق آن‌ها رشد یابند. مجله خبری دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای تحت عنوان "تعلیم و تربیت عمومی" "جامعه آزاد" رشته‌های دانشگاهی مانند علوم طبیعی، علوم انسانی و علوم اجتماعی را شرح داده است و آن‌ها را بر اساس شیوه‌های گوناگونشان از یکدیگر مجزا کرده است. اما گزارش

این را نیز متذکر شده که درصدد رشد توانایی‌های عقلانی معین، مانند تفکر اثربخش، تبادل فکری، ارائه قضاوت‌های مناسب و متمایز ساختن ارزش‌ها از یکدیگر بوده است. "تفکر اثر بخش" تفکر منطقی ابتدایی، توانایی دست یابی به حقایق کلی از طریق بررسی موارد خاص و جزئی رادر بر می‌گیرد این امر همچنین مستلزم تفکر در زمینه‌ی زندگی روزمره و نیز تفکر خلاق می‌باشد. "تبادل فکری"، مهارت‌های گفتاری، شنیداری، نوشتاری، خواندنی، و نیز هنر محاوره را شامل می‌شود. ارائه قضاوت‌های مناسب شامل وارد ساختن اندیشه‌های یک انسان به حوزه تجربه اوست و سرانجام متمایز ساختن ارزش‌ها شامل آگاهی از ارزش‌های شخصیتی انصاف، خویش‌داری، و ارزش‌های عقلانی عشق به حقیقت و زیبایی است.

ویژگی‌های انسان عاقل از دیدگاه اسلام

غربال‌گری اطلاعات

استاد مطهری در خصوص ویژگی انسان عاقل می‌فرماید: یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان تمیز و جدا کردن سخن راست از دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از سخن غیر منطقی و خلاصه غربال کردن. عقل آن وقت برای انسان عقل است که به شکل غربال در بیاید یعنی هر چه را که وارد می‌شود سبک سنگین کند، غربال کند، آن‌هایی را که به درد نمی‌خورد دور بریزد و به دردخورها را نگه دارد. بعضی افراد خاصیت ضبط صوت دارند هر چه دیگران می‌گویند پر می‌شوند و بعد در جای دیگر تحویل می‌دهند بدون آنکه تشخیص بدهند که آنچه که می‌شنوند {صحیح است یا غلط} جاهل غالباً در احادیث در مقابل علم نیست بلکه در مقابل عقل است، یعنی بی فکری نه بی علمی. برای بی فکری و حساب نکردن انسان کافی است که هر چه را می‌شنود باور و نقل کند.

نقد اطلاعات:

نقادی اطلاعات یا نقادی سخن یعنی تشخیص ویژگی‌های اجزای سخن، یعنی بخش‌های صحیح را از غلط تشخیص دادن. نقادی سخن یعنی تجزیه سخن به اجزای درست و نادرست. عاقبت اندیش:

از دیگر ویژگی‌های انسان عاقل آینده نگری و به حساب آوردن مسئله‌ی آینده است. در تربیت اسلامی زیاد تأکید می‌شود که خودتان را در زمان حبس نکنید، به آینده توجه داشته باشید و عواقب و لوازم و نتایج نهایی کار را در نظر بگیرید...

همراهی عقل و علم:

ضرورت توأم بودن عقل و علم در این است که اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد مثل کارخانه‌ای است که ماده‌ی خام ندارد یا ماده‌ی خامش کم است؛ قهراً نمی‌تواند کار بکند یا اگر کار کند محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به اینکه ماده‌ی خام برسد اگر کارخانه ماده‌ی خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز محصولی نخواهد داشت.

آزاد کردن عقل از عادات:

مسئله دیگر آزاد کردن عقل از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادت و به اصطلاح امروز از نفوذ سنت‌ها و عادات‌های اجتماعی و به تعبیر عرب‌های امروز از وحی‌های اجتماعی. قرآن اساسش بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی آر آباء و گذشتگان هستند و تعقل و فکر نمی‌کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد بکنند. هدف قرآن از این مذمت تربیت است؛ یعنی در واقع می‌خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار باید تشخیص و عقل و فکر باشد نه صرف اینکه پدران ما (یا دیگران) چنین کردند ما نیز چنین می‌کنیم.

پیروی نکردن از اکثریت:

آزادی از حکومت عدد و اینکه اکثر و اکثریت نباید ملاک باشد و نباید انسان این جور باشد که ببیند اکثر مردم کدام راه را می‌روند (همان راه را برود و بگوید) آن راهی که اکثر مردم می‌روند همان درست است. این مثل همان تقلید است، همان طور که انسان طبعاً به سوی تقلید از دیگران کشیده می‌شود طبعاً به سوی اکثریت نیز کشیده می‌شود

تأثیرناپذیری از قضاوت دیگران:

مسئله‌ی دیگر در تربیت عقلانی این است که قضاوت‌های مردم درباره‌ی انسان نباید برای او ملاک باشد. این‌ها یک بیماری عمومی است که اغلب افراد کم و بیش گرفتارش هستند. مثلاً انسان در

مسائلی که مربوط به خودش است نباید تحت تأثیر قضاوت دیگران قرار بگیرد. هرگز تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران نسبت به خود نباید قرار بگیرد.

روحیه علمی داشتن:

خداوند انسان را حقیقت طلب آفریده است؛ یعنی انسان می‌خواهد حقایق را آن چنان که هستند بفهمد، می‌خواهد اشیاء را همان طور که هستند بشناسند و درک کند. و این فرع بر این است که انسان خودش را نسبت به حقایق بی طرف و بی غرض نگاه دارد. اگر انسان خودش را بی غرض نگاه دارد و بخواهد حقیقت را آن چنان که هست کشف کند نه اینکه بخواهد حقیقت آن طوری باشد که او دلش می‌خواهد.

روح علمی یعنی روح حقیقت جویی، روح بی غرضی و طبعاً روح بی تعصبی، روح خالی از جمود و روح خالی از غرور. یک عالم نباید تعصب داشته باشد نباید جمود داشته باشد نباید اصرار داشته باشد که هر چه من تشخیص دادم لیس الا و فقط همین است. یک عالم نباید غرور داشته باشد و خیال کند آنچه که او دارد تمام علم همان است.

فضای مجازی:

واژه سایبراسپیس یا فضای مجازی اولین بار در سال ۱۹۸۴ در رمان علمی تخیلی ویلیام گیسون با نام نیورمنس مطرح شد. این اصطلاح برای توصیف فضای خیالی به کار برده می‌شد. جایی که در آن واژه‌ها، روابط، داده‌ها، ثروت و قدرت از طریق ارتباطات به واسطه کامپیوتر پدیدار می‌شدند (بهجت یزدی، ۱۳۹۲). فضای مجازی به مجموعه‌ای از ارتباطات انسان‌ها از طریق رایانه‌ها و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود. فضا در مقایسه با مکان مفهومی انتزاعی‌تر است و تفاوت‌های زیر را داراست: الف) مکان ظرف مظروفی مشخص است ولی فضا مظروف مشخصی ندارد. ب) مکان دو بعدی است اما فضا سه بعدی است. د) مکان مرز دارد و فضا بی مرز و نامحدود است. ر) مکان به تثبیت گرایش دارد و فضا به سیالیت (حاجی زاده و همکاران، ۱۳۸۸). اما دنیای مجازی دنیای دیجیتالی است که در فضای مجازی در داخل رایانه‌ها ایجاد می‌شود و مرتبط به شبکه است و شامل اینترنت نیز می‌شود (نجفقلی نژاد، ۱۳۸۸). و دنیای هوشمند ترکیبی از فضای مجازی، دنیای مجازی و فضاهای واقعی است که در آن حسگرها، شبکه‌ها، انبوه اطلاعات و خدمات در

گستره‌های عظیمی از رایانه‌ها ایفای نقش می‌کنند. از ویژگی‌های بارز دنیای مذکور تعامل از طریق پست الکترونیک، بازی‌های آنلاین و پیام‌های اینترنتی است و همچنین توسعه فناوری وب ۲ نظیر ویکی‌ها، وبگاه‌ها و با ارائه تسهیلات متعدد و همکاری و مشارکت بین کاربران می‌باشد. فضایی که این گونه ایجاد می‌شود فضایی است بسیار فراخ و هر فرد یا گروه در صورت دارا بودن زمینه‌ها و ابزارهای لازم می‌تواند به درون آن راه یابد. پس این فضا در واقع نوعی حوزه عمومی است که یورگن هابرماس آن را چونان قلمرو مکالمه یا گفتگوی فارغ از زور و اجبار و معطوف به یک توافق علمی تعریف می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۸). در فضای سایبری کاربران کارایی انجام می‌دهند و چیزایی می‌گویند که در دنیای واقعی و رو در رو هرگز طرح نمی‌کنند.

آموزش در فضای مجازی

براساس نظریه ویگوتسکی لازم است مطالب درسی در یک بافت فرهنگی-اجتماعی آموزش داده شوند و در تمام مراحل تحصیلی مسائل فرهنگی اجتماعی از نظر دور نماند. سایت‌های شبکه اجتماعی در قرن بیست و یکم به عنوان بستری مناسب در شکل‌گیری یادگیری مبتنی بر نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند و دریچه‌ای جدید بر روی متخصصان امر تعلیم و تربیت باز کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۲) البته شرط لازم برای تربیت اثر بخش اجتماعی ناشی از آموزش در چنین فضایی آمادگی دانش‌آموزان از جنبه عقلانی است چرا که در فضای مجازی تنوع اطلاعات به حدی است که امکان انتخاب مناسب را از او می‌گیرد. آموزش مجازی نیروی شبکه را بکار می‌گیرد برای کسانی که به تکنولوژی‌های اینترنتی تکیه دارند که در ضمن کار با شبکه آن‌ها را نیز قادر به یادگیری می‌کند. آموزش مجازی یک یادگیری اینترنتی است که می‌توان شامل رساندن مطالب در چندین شکل، مدیریت آموزشی شبکه شده از فراگیران و تعدادی توسعه دهندگان و کارشناسان خبره می‌باشد. آموزش در عصر آینده (فضای مجازی) علاوه بر دیداری و شنیداری، حسی نیز خواهد بود. به طوری که یک شخص علاوه بر دریافت اطلاعات درباره موضوع مورد آموزش، آن را لمس کرده و از فضای مواد تشکیل دهنده آن آگاهی خواهد یافت. در این فضا شانس یادگیری به بیش از ۹۵ درصد خواهد رسید، یعنی به حدی که موضوع را به طور کامل فهمیده و به طور معمول فراموش نخواهد کرد. در این عصر دیگر نیازی به کلاس نیست و در هر جای دنیا می‌توانید در کلاس درس حضور یابید و با استاد و همکلاس خود درباره موضوع بحث کنید.

دلایل این اثرگذاری عمیق در آموزش سه بعدی در فضای مجازی این است که وقتی فقط می‌شنویم احتمالاً حدود ۸۵ درصد مطالب را فراموش می‌کنیم، وقتی که هم می‌شنویم و هم می‌بینیم شانس به خاطر آوردن حدود ۸۹ درصد مطالب را داریم وقتی چیزی را هم می‌شنویم هم می‌بینیم هم انجام می‌دهیم به طور معمول آن را فراموش نمی‌کنیم. آموزش در عصر مجازی فرصت انجام دادن و اجرای عملی سود آموزشی را برای یادگیرندگان ایجاد می‌کند و حتی امکان گران‌ترین و سخت‌ترین آموزش‌ها در دنیای مجازی برای همه کاربران مقدور است (به نقل از فاونامه، ۱۳۸۷). آموزش در فضای مجازی فرصت یادگیری تعاملی را ایجاد می‌کند.

بعضی خدمات فضای مجازی در آموزش:

-Gmail که ارسال پیام به طریق الکترونیکی روی اینترنت و دریافت نامه به نشانی الکترونیکی را امکان پذیر می‌سازد.

-موتور جستجوگر که دسترسی به هر گونه اطلاعات مورد نظر را فراهم می‌سازد.
-رسانه پخشگر، در رادیو و تلویزیون با این رسانه، صدا و تصویر زنده پخش و در اینترنت دریافت می‌شود.

-تماس تلفنی، با استفاده از پروتکل‌های ارتباطی اینترنت، امکان برقراری ارتباط دو سویه صوتی، که بسیار ارزان‌تر از تماس‌های معمول است، فراهم می‌گردد.

-وبگاه تعاملی، نسل جدیدی از اینترنت که، در آن، بین کاربر و اینترنت ارتباط برقرار می‌شود به نحوی که کاربر در تولید و ویرایش محتوا دخالت دارد و به جای آن که افراد به جستجوی اطلاعات در میلیون‌ها وبگاه (وب سایت) باشند اطلاعات به سراغ آن‌ها می‌آید. بدین سان، مشخصه عمده وبگاه تعاملی کاربر محور بودن آن است. به عنوان نمونه چند وبگاه تعاملی در زیر معرفی می‌شود:

-الف) Wikipedia دایره المعارفی که به سیستم Online به دست کاربر نوشته و مدام ویرایش می‌شود.

-ب) Dig (وبگاه Social book marking) که در آن کاربران داستان‌هایی می‌فرستند و خودشان به آن‌ها رأی می‌دهند.

-ج) Technerati، موتور جستجوگر وب نوشت (وبلاگ) که وب نوشت‌ها را بر حسب آن که دیگر وب نوشت‌ها چه اندازه به آن‌ها پیوسته‌اند ردیف می‌کند.

د- Ficker، وبگاهی که هرکس می‌تواند تصویر یا عکسی در آن ارائه کند و همگان در استفاده از این تصویرها سهیم‌اند.

ر- My Space، Twitter، facebook شبکه‌هایی جمعی که هر کس می‌تواند در آن دوستان خود را جستجو کند و اخبار و تصاویر و سایر مواد رایانه را عرضه دارد (حاجی زاده، ۱۳۸۸).

وب ۲

مفهوم وب ۲ اولین بار در یک همایش توسط معاون موسسه oreilly مطرح شد. آن‌ها به دنبال نسل جدیدی از وب بودند که بتواند جذاب، کاربردی و قابل گسترش باشد. اینگونه بود که کنفرانس وب ۲ شکل گرفت و بحث‌های زیادی پیرامون این پدیده مطرح شد. در یکی دو دهه‌ی اخیر با فزونی گرفتن استفاده از اینترنت و وب، اصطلاحات زیادی در این زمینه با توجه به کارکردهای مختلف آن به وجود آمده است. یکی از واژه‌های که جدیداً با توجه به امکان انتشار اطلاعات توسط هر فردی بر روی اینترنت به وجود آمده است WEB 2.0 است. از این واژه تعاریف زیاد و گاه قابل بحثی ارائه شده است؛ با افزایش کاربردهای وب، طراحان وب روش‌های جدیدی را در ایجاد وب سایت‌ها به کار بستند که باعث راحت‌تر شدن دسترسی به داده‌ها برای کاربر و مشارکت کاربر در ایجاد داده‌ها می‌شود. وب ۲ یک اصطلاح است که روند استفاده از فن آوری شبکه جهان گستر و طراحی وب را تشریح می‌کند که هدف آن ارتقاء خلاقیت، به اشتراک گذاری اطلاعات و بویژه همکاری میان کاربران می‌باشد. این مفاهیم به توسعه و تکامل جوامع مبتنی بر وب و خدمات میزبانی منجر شده است از قبیل: سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، ویکی‌ها و... این اصطلاح پس از اولین کنفرانس رسانه‌ای اورلی در مورد وب ۲ در سال ۲۰۰۴ برجسته و قابل توجه شد (وب ۲ از اصول زیر پیروی می‌کند: شبکه جهانی یک بستر (platform) است، دانش جمعی را تحت کنترل دارد، اطلاعات صرفاً یک منبع اولیه است، برنامه نویسی مورد نیاز نیست، به یک دستگاه یا فرد مستقل وابسته نیست، تجارب غنی کاربران را حمایت می‌کند (۱). امروزه جستجوی این عبارت در گوگل بیش از ۱۰ میلیون نتیجه را بر می‌گرداند. ولی به طور کلی WEB 2.0 اشاره به استفاده اجتماعی از وب است که به افراد گوناگون امکان مشارکت می‌دهد، می‌توانند در ایجاد محتوای وب با یکدیگر مشارکت کنند، در تولید دانش شرکت کرده و به اشتراک اطلاعات به صورت برخط بپردازند. موارد مختلفی همچون وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، نشانگرها، RSS ها و شبکه‌های اجتماعی همگی مصداق‌هایی روشن از WEB 2.0

هستند (زارعی، ۱۳۹۲). بعضی از نقاط قوت WEB 2.0 عبارتند از: کاهش هزینه‌های یادگیری و مشارکت اجتماعی، انعطاف پذیری و امکان انتخاب فناوری‌های گوناگون، دسترسی سریع به اطلاعات، به اشتراک گذاری تجربیات تراکمی (وبلاگ‌ها، ویکی‌ها...)، عدم نیاز به مهارت‌های بالای فنی برای استفاده و بهره‌گیری از آن. همچنین از نقاط ضعف WEB 2.0 می‌توان به: نیاز ضروری به ارتباط اینترنتی، متکی بودن به سایر فناوری‌های دیگر شبکه و اینترنت است که کارایی آنها در آموزش و یادگیری اثبات نشده است (زارعی، ۱۳۹۲).

ویکی‌ها

نمونه بسیار روشنی از این سایت‌ها Wikipedia است که توسط کاربرانش گسترش پیدا می‌کند و مدیران این سایت فقط محیطی را برای استفاده از توانایی‌های کاربران فراهم می‌کنند. Wikipedia یک سایت وب دویی است، یک دایره‌المعارف که هیچ مؤلف خاصی ندارد و با نیروی کاربرانش گسترش پیدا می‌کند. اما دایره‌المعارف بریتانیکا یک سایت وب محسوب می‌شود. زیرا تعداد بسیار محدودی مؤلف هستند که مقالات این سایت را به روز می‌کنند و بر روی سایت قرار می‌دهند.

ویکی در حوزه یادگیری الکترونیکی ۲،۰ ویکی‌ها می‌توانند بین چندین کاربر خرد جمعی را تفکیک و تلفیق کنند. بنابراین، در میان این قشرها می‌توان موارد زیر را نام برد: کسب خرد جمعی را از چندین متخصص و مشارکت‌کننده ممکن می‌سازند

باعث مدیریت مشارکتی را در منابع آموزشی می‌شود. بعنوان مخزنی از خرد جمعی طراحی است برای مدیریت دانش و مدیریت محتوا و ابزاری برای کارپوشه‌های الکترونیکی است. کار گروهی و پروژه - های تحقیق گروهی و نشریه‌های مشارکتی منابع درسی را رشد می‌دهد. کاربران (مدرسان و دانشجویان) را قادر می‌سازد تا دستکاری در نگارش، دستیاری ویرایش، دستیار بازبینی و بررسی دقیق محتوایی و همراهی در تولید بطور پیش نویسی در فهرست کتاب را انجام دهند. بعنوان یک دایره‌المعارف و فرهنگ لغت عمل می‌کند. بعنوان یک محل مجازی برای شرح دوباره، بازنویسی و بازخوانی محتوای بکار می‌رود. ازینرو مفهوم بتای ایجاد محتوایات را بدنبال دارد. جوامع مجازی تمرینها را ارتقا می‌دهد (کب، ۲۰۰۸، فرانکلین و ون هارملن ۲۰۰۷) ویکی برای مهارت‌های آموزش نوشتن و سازماندهی کنفرانس‌های زنده بکار می‌رود.

الگوی آموزش عقلانی در فضای وب ۲

مولفه‌های اصلی دیدگاه استاد شهید مطهری (۱۳۶۲) برای زندگی عقلانی عبارتند از: همراهی عمل و عمل، آزاد کردن عقل از عادات، عدم تعصب، واقع بینی، حق گویی بر اساس گفته‌های استاد مطهری (۱۳۶۲) در خصوص ویژگی‌های انسان عاقل از نگاه اسلام راهبردهایی زیر را برای آموزش زندگی عقلانی در فضای مجازی پیشنهاد می‌شود:

- ۱- عادت دادن فراگیر به یادگیری تعمقی در فضای مجازی به جای پیروی از عادات
- ۲- عادت دادن فراگیر به سنجیدن بر اساس حق گویی و به دور از تعصبات و سوگیری
- ۳- عادت دادن فراگیر به تحلیل و نقد کردن بر اساس اطلاعات علمی و مفاهیم کسب شده
- ۴- تمرین عادت به خوب دیدن، خوب شنیدن و خوب انتخاب کردن

برای دستیابی به راهبردهای فوق فعالیت‌های یادگیری در فضای مجازی با استفاده از: فعالیت‌های تعمقی ponder activites، پرسش‌های بیانگر Questioning، activites مباحثه آنلاین مشارکتی پیشنهاد می‌شود.

فعالیت‌های تعمقی در فضای مجازی

ویلیام هورتون (۲۰۱۲) معتقد است فعالیت‌های تعمقی تجارب ساده‌ای در یادگیری هستند که باعث می‌شوند یادگیرندگان با سرعت بیشتری ایده‌های یک چشم انداز جدید را بررسی کنند. آن‌ها عبارتند از:

-توقف کن و درباره‌اش فکر کن

-به عقب برگرد و تصویر جامع را ببین

-از زاویه‌ای متفاوت به آن نگاه کن

فعالیت‌های تعمقی، یادگیرندگان را ملزم می‌کنند که عمیقاً و بطور گسترده درباره آن چیزی که یاد می‌گیرند، فکر کنند. آن‌ها توجه خود را معطوف به موضوع می‌کنند و یادگیرندگان را به پذیرش و اتخاذ چشم اندازهای جدید به موضوع، دعوت می‌کنند. از فعالیت‌های تعمقی هنگامی استفاده کنید که لازم است یادگیرندگان درباره‌ی موضوعی به شکلی جدید فکر کنند (هورتون ۲۰۱۲). هنگامی یادگیرنده در فضای مجازی با انبوهی از اطلاعات روبرو می‌شود از او بخواهید با توجه به نکات ذیل به مطالعه بپردازد:

- از خود سؤال کنند این ایده‌ها و ارزش‌ها چگونه در زندگیشان بکار می‌روند.
- گسترده‌تر کردن میدان دید و پرهیز از نگاه یک بعدی که بر اثر استرس یا اضطراب بوجود می‌آید.
- برای جرقه زدن و ایجاد گسست‌های مفهومی با واداشتن یادگیرندگان به تجمیع ایده‌های جدا از هم به شکل‌های جدید
- تفکر عمیق‌تر و گسترده‌تر درباره‌ی موضوع
- استفاده از پرسش‌های بیانگر

پرسش‌های بیانگر

- پرسش‌های بیانگر برانگیزاننده‌ی فکر هستند. ممکن است آنها به پاسخی ملموس از یادگیرندگان احتیاج نداشته باشند ولی یادگیرندگان را ملزم می‌کنند تا عمیقاً به منظور اینکه خودشان پاسخی برای سؤال پیدا کنند، فکر کنند (هورتون ۲۰۱۲). از پرسش‌های بیانگر به عنوان راهی آسان برای واداشتن یادگیرندگان به تفکر درباره‌ی موضوعات استفاده کنیم. برای مثال هنگامی که:
- نمونه‌های زیادی در دنیای مجازی وجود دارد و شما تنها می‌خواهید توجه یادگیرنده را معطوف به آنها کنید
- همه‌ی چیزی که باید انجام دهید اینست که یادگیرندگان را وادار به تفکر درباره‌ی یک جنبه از موضوع کنید.

پرسش‌های "توقف کن و فکر کن"

- از یادگیرنده در فضای مجازی بخواهید وقتی با موضوعات و مفاهیمی متعدد و متنوع روبرو می‌شود برای اینکه بدانند آموختن این مطالب او را در جهت دستیابی به اهداف کمک خواهد کرد یا خیر؟ از پرسش‌های توقف کن و فکر کن استفاده کند.
- آموزگارانی مثل سقراط، شاگردانشان را با پرسش‌های بیانگری آماده می‌کردند که افکار آنها را معطوف به جنبه‌های مختلف از یک موضوع می‌کرد.

در اینجا چند پرسش را ذکر می‌کنیم که شروع کننده‌ی فکر هستند:

- فکر می‌کنید که این موضوع چرا به این صورت است؟ چرا این اتفاق رخ داده است؟
- این ایده در کجا بکار می‌رود؟ در کجا بکار نمی‌رود؟

چگونه می‌توانید این ایده را بکار ببرید؟

- این ایده چقدر برایتان مهم است؟

- این ایده چقدر با دیگر چیزهایی که شما اطلاع دارید سازگار است؟

- بکارگیری این ایده در زندگی ممکن است چه مخاطراتی برای او ایجاد کند؟

- آیا این فکر با افکار دیگر او که در یک جا یا چند جا مشترک هستند در تضاد است یا خیر؟

- آیا پیروی از این ایده تبعیت کورکورانه از یک فکر غلط نیست؟

و بالاخر عاقبت امر چه می‌شود؟

مباحثه آنلاین مشارکتی:

آدامز (۲۰۰۴) معتقد است آموزش فقط به ارائه اطلاعات خلاصه نمی‌شود تا آنها را به خاطر سپرده و در امتحان دوباره باز تولید کنند بلکه آموزش باید فراگیران را به تفکر خلاقانه سوق دهد و آنها را وادار کند در کارهای عملی مشارکت نمایند و به شکل انتقادی به عملکرد دیگران نگاه کنند. بسیاری از فراگیران به دلیل خجالتی بودن برای شرکت در بحث‌های گروهی کلاس احساس راحتی نمی‌کنند زمانی که از طریق فناوری وب ۲ در صفحات ویکی به آنها فرصت داده می‌شود تا از مکان امن و راحتی مثل منزل و یا جای دیگری که احساس آرامش دارند وارد مباحثه علمی شوند هم احساس آزادی و راحتی بیشتری خواهند داشت و هم از قوه تفکر و تعقل خود در سطح حداکثری می‌توانند استفاده کنند. دولان (۲۰۰۶) و ریگل (۲۰۰۷) واضح است که دلیل اصلی آن این است که روابط نامطلوب بین فردی فراگیران که در کلاس‌های فیزیکی هست وجود ندارد البته معتقدند به همان اندازه که در کلاس‌های روابط آسیب زنده وجود دارد اگر مدیریت و نظارت دقیقی نباشد در در دنیای مجازی نیز چنین تبعات بوجود خواهد آمد (ویلیامز، ۲۰۱۰).

نمونه یک تجربه موفق؛ دانشجویان به گروه‌های پنج تا ده نفر تقسیم می‌شدند، و هر گروه یک وب سایت و یا دیگر مدارک مشارکتی آن لاین را ارائه می‌داد که برای دستورالعمل مطالعه هفتگی ارائه می‌شد. این محتواها شامل خلاصه‌های نکات اصلی فصل، تفکر در مورد پرسش‌های احتمالی برای آزمون، شناسایی مفاهیم دشوار و راه‌های برای درک آن مفاهیم بود. این مدارک و متون در روز آزمون سنجیده می‌شدند. دستورالعمل‌های مشارکتی مطالعه به دانشجویان این امکان را می‌داد، که با یکدیگر در گروه‌های مطالعه، درس بخوانند. تولید دستورالعمل مطالعه نیازمند این بود که دانشجویان در این

مورد که چگونه می‌خواهند برای آزمون بخوانند فکر کنند، و راه‌های خود را با دیگران در میان بگذارند. در واحدهای درسی سال اول با تعداد بالای دانشجویان عموماً یکدیگر را نمی‌شناسند. و نمی‌توانند به سادگی گروه‌های مطالعه را تشکیل دهند، برای بحث در مورد مواد درسی قبل از امتحان. همچنین، ماهیت آزاد ایجاد و ساختن این دستورالعمل به دانشجویان اجازه می‌دهد، که وی بر روی نقاط قوت متعدد خود تمرکز کنند، زمانی که با یکدیگر درس می‌خوانند که این برای آمادگی برای آزمون مفید است. ریچارد آنگستروم (۲۰۰۸) (شکل ۱) گروه‌های مباحثه آنلاین:

اهداف آموزشی:

عادت به استدلال بر مبنای تعمیم مفاهیم کسب شده بدور از تعصب‌ها و جهت‌گیری‌ها
عادت به پرسش‌گری و بحث‌های دو جانبه و چند جانبه
پس از تشکیل اولین کلاس به صورت حضوری و آموزش فراگیران با نحوه کار در صفحات ویکی و مباحثه آنلاین از جمله: معرفی سایت و نحوه کار با آن، معرفی سرفصل‌های محتوای درسی، اعلام روز و ساعت شروع مباحثه با توافق طرفین

مراحل انجام مباحثه آنلاین:

- ۱) تشکیل گروه‌های مباحثه آنلاین
 - ۲) اعلام موضوع و تکالیف مباحثات هفتگی
 - ۳) شرکت فراگیران در مباحثه آنلاین: فراگیران با توجه به مفاهیم کسب شده در زمینه بحث اقدام به مباحثه و تبادل نظر دو جانبه و چند جانبه (با رویکرد بدون سوگیری و تعصب نسبت به مفاهیم) و تعمیم مفاهیم کسب شده می‌پردازند
 - ۴) ارسال حداقل سه پیام برای هر موضوع بر روی گروه مباحثه در هفته
 - ۵) خواندن داوطلبانه سایر مباحثات که در آن شرکت نکرده‌اند
 - ۶) ارسال مجدد نظرات خود راجع به مباحثاتی که در آن شرکت نکرده‌اند.
- نمونه یک تجربه: در هفته‌هایی که ما گروه‌های مباحثه را به صورت آن لاین به کار می‌بردیم، دانشجویان در یک مباحثه آن لاین در مورد موضوع آن هفته شرکت می‌کردند. دانشجویان باید حداقل

سه پیام را بر روی این گروه آن لاین مباحثه پست می کردند، که از سه شنبه بعد از کلاس تا دوشنبه هفته بعد باز بود. تکالیف مباحثات آن لاین به این منظور طراحی شده بودند، که دانش آموزان با هم تعامل داشته باشند و موضوع مطرح شده را به دور از هرگونه تعصب و جهت گیری با هم به بحث بگذارند. در این هفته ها من چندین موضوع مباحثه را پست می کردم و دانشجویان یکی از آنها را انتخاب می کردند. از آنجا که هر چیزی در روی گروه آن لاین مباحثه قابل آزمون بود، دانشجویان مباحثاتی را هم در آن شرکت کرده بودند و هم در آن شرکت نکرده بودند را می خواندند. از آنجا که دانشجویان عموماً در بخش های کلاس های بزرگ سال اول مباحثه نمی کنند، این تکالیف ما آنها را تشویق کرد، که ببینید هم کلاسی هایشان چه می گویند و با آنها در تبادل نظرات و واضع خود مشارکت کنند. ریچارد آنگستروم (۲۰۰۸)

(شکل ۲) تبادل مقاله:

اهداف آموزشی:

عادت به دیدن و شنیدن همه گفته ها و سنجش، غربال گری، و انتخاب بهترین آنها
تحلیل و نقادی بر اساس اطلاعات کسب شده ی قبلی (مفاهیم، ایده ها، نظریه ها) نه بر اساس شنیده ها و گفته های دیگران یا عادت های روزمره

مراحل:

الف) اعلام موضوع و ارائه تکلیف (هر فراگیر می بایستی یک مقاله ۲ تا ۳ صفحه ای تهیه و از طریق ایمیل برای حداقل ۲ نفر ارسال کند
ب) هر فراگیر موظف است مقاله حداقل دو نفر را از جنبه محتوایی ویرایش کند و به آنها برگرداند.
ج) فراگیران موظفند پس از دریافت ویرایش های نقادانه، اصلاح و نسخه نهایی را برای استاد ارسال نمایند

نمونه یک تجربه موفق:

در این هفته ها دانشجویان یک مقاله کوتاه (۲ - ۳ صفحه ای) برای اعلام مواضع خود می نوشتند. دانشجویان آنها را با هم تعویض می کردند، توسط ایمیل، با دو نفر دیگر از هم کلاسی هایشان و نقدها

و عکس العمل‌های خود را بر روی آن می‌نوشتند و آن‌ها را به نویسنده اصلی بر می‌گرداندند. دانشجویان برگه‌های خود را در پاسخ به انتقادات ویرایش می‌کردند و نسخه نهایی را ارائه می‌کردند. نوشته‌های دانشجویان باید تا نیمه شب چهارشنبه شب فرستاده می‌شد، و نقادها باید تا نیمه شب جمع و ارسال می‌شد. نسخه‌های نهایی نیز تا روز دوشنبه به استاد ایمیل می‌شد.

تکالیف تدریس و یادگیری برای این طراحی شده بودند، که مباحثات گسترده‌تری را دانشجویان بر روی نوشته‌های خود داشته باشند، و با فکر نوشته‌های یکدیگر را نقد کنند. این فعالیت‌ها به ندرت در کلاس‌های سال اول برای دانشجویان ارائه می‌شود. این تکالیف شامل یافتن انتقادات دانشجویان و خواندن ایده‌های سیاسی آن‌ها بر روی اینترنت بود (برخی راهنمایی‌ها در کلاس)، و واکنش به مباحثات مطرح شده، در این تکه‌های نوشته. داشتن ستون‌های متعدد ایده به صورت قابل دسترسی برای دانشجویان برای انتخاب یکی از آن موارد به این مباحثه اجازه می‌داد، که گسترده‌ای از موضوعات کلاسی را پوشش دهد، چرا که دانشجویان تکه‌های ایده خود را و تکه‌های ایده‌های دوستان خود را نیز می‌خوانند. ریچارد آنگستروم (۲۰۰۸)

(شکل ۳) جستجوی شبکه:

اهداف آموزشی: عادت دادن به جستجو، بررسی و سنجیدن اطلاعات همراه با واقع بینی

مراحل:

الف) تشکیل کلاس حضوری و آموزش و توجیه فراگیران نسبت به نحوه‌ی برگزاری کلاس، تعیین زمان دقیق مباحثه، اعلام محدوده‌ی زمانی ارسال نظرات

ب) انتخاب موضوع

ج) ارائه تکالیف

د) طرح نتایج جستجو و تطبیق آن با ایده‌های خود در کلاس و دریافت اظهار نظر دیگر اعضای گروه

نمونه یک تجربه موفق:

دانشجویان موضوعی را در کلاس انتخاب می‌کردند، و اطلاعاتی را در مورد آن بر روی اینترنت پیدا می‌کردند، که می‌توانستند به کلاس بیاورند. دانشجویان باید یک مقاله یک یا دو صفحه‌ای را در مورد موضوع خود می‌نوشتند و آن اطلاعات را به مواضع و ایده‌های خود مرتبط می‌کردند. مقالات تا نیمه شب روز دوشنبه هفته بعد باید ارسال می‌شد. تکلیف جستجوی اینترنتی برای این ارائه شده بود، که آنچه که در کلاس به بحث گذاشته می‌شد به دنیای بزرگتری هم راه پیدا کند. دانشجویان در کلاس صدا زده می‌شدند، تا مباحثات بیشتری را در ارتباط با موضوع خود ارائه دهند، و این تکلیف نیازمند آن بود که آن‌ها اطلاعاتی مرتبط با مسائلی که در کلاس مطرح می‌شد جستجو کنند. آن‌ها این اطلاعات را به عنوان بخشی از تکالیف محول خود به استاد ارائه می‌دادند. همچنین آن را تشویق می‌کرد تا در مورد تکالیف محول فراتر از کتاب‌های درسی خود نگاه کنند. ریچارد آنگستروم (۲۰۰۸)

بحث و نتیجه گیری

تنوع، پیچدگی و روبرو شدن با ناشناخته‌ها از مشخصه‌های بارز زندگی متأثر از فضای مجازی در جوامع دانش بنیان امروزی است. نیاز به تفکر، انتخاب آگاهانه و تصمیم گیری در موقعیت‌های متنوع از اقتضائات فضای مذکور می‌باشد، به همین جهت روش‌های تربیتی و به تبع آن آموزش و تدریس نیز دستخوش تغییرات اساسی منطبق بر دنیای دیجیتال و مجازی می‌شود، لذا متولیان امر باید به گونه‌ای راهبردهای آموزشی را طراحی کنند که ناظر بر تربیت عقلانی یادگیرندگان برای زندگی در فضای مجازی باشد. رشد قوه تعقل، تفکر انتقادی، خلاقیت، انتخاب آگاهانه و تصمیم گیری در موقعیت‌های ناشناخته و متنوع لازم است تا یادگیرندگان سوار بر فرصت‌های فضای مجازی در وب ۲ از جمله: شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، muve ها، mud ها، moo ها و... به اهداف نظام تربیتی دست پیدا نموده و از عهده‌ی تکالیف اصیل خود برآیند. بر اساس گفته‌های استاد مطهری تربیت عقلانی که شامل پرورش و شکوفا نمودن توانایی‌های همچون جستجوگری، غربالگری، نقادی، سنجش اطلاعات در کنار عاقبت اندیشی و آزادکردن عقل از عادات در تصمیم گیری‌ها بوده و شرایطی را برای یادگیرنده ایجاد می‌کند که انتخاب‌هایش متأثر از قضاوت‌ها و نگرش‌های سطحی دیگران نباشد می‌تواند الگوی آموزشی منطبق با نیازهای مورد نظر در فضای مجازی معرفی کند تا یادگیرندگان را در دستیابی به اهداف آرمانی و ویژه رهنمون سازد و این در حالی است توسعه

انفجاری فعالیت‌های شبکه‌ای مجازی از یک طرف و از طرف دیگر توصیه متخصصان علوم تربیتی مبنی بر تأثیر شگرف یادگیری مبتنی بر نظریه اجتماعی، فرهنگی ما را بیشتر متوجه اهمیت یادگیری و تعاملات آموزشی در بستر فضایی مجازی می‌نماید و البته با الگویی که رسیدن به اهداف در آن میسر باشد. در الگوی پیشنهادی یادگیرندگان از طریق انجام فعالیت‌های مثل مباحثات آنلاین مشارکتی، جستجوگری شبکه‌ای، تبادلات مقالات توأم با فعالیت‌های تعمقی یادگیری و پرسش‌های بیانگر در فضای وب ۲ به عنوان یک فضای مشارکتی تحت وب تجارب و ایده‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و از طریق از پنجره‌ای جدید به انتخاب و تصمیم‌گیری برای یادگیری و کسب اطلاعات می‌پردازند. فعالیت‌های تعمقی یادگیرنده را و می‌دارد تا با بینشی عمیق و با نگاه به آینده و به دور از تعصب به اطلاعات پیش رو نگاه کند، از طریق پرسش‌های بیانگر به تحلیل اطلاعات می‌پردازد و پی می‌برد که کسب مفاهیم جدید مستور در مطالب ارائه شده در راستای نظام فکریش هست یا خیر؟ آیا او را در دستیابی به اهداف کمک خواهد کرد؟ یا اوقات سپری شده برای خواندن، مرور کردن این مفاهیم تلف شده محسوب خواهد شد یا خیر؟ و بالاخره یادگیرنده در این الگو، جستجوها، انتخاب‌ها و تصمیماتش بر اساس ویژگی‌های انسان عاقل مثل: انتخاب مبتنی بر علم و اطلاعات بدون تعصب و پیروی کورکورانه، عاقبت اندیشی، بدور از متأثر شدن از قضاوت سطحی دیگران و با روحیه علمی است.

منابع و مأخذ

- استفانسکو و همکاران: ۲۰۰۷ به نقل از احمد زندوانیان و همکاران. آسیب‌های فضای مجازی بین دانش آموزان دختر- سال چهاردهم- شماره ۲۳. پاییز ۱۳۹۲).
- اعتصامی، محمد مهدی فلسفه و کلام: رشد آموزش معارف اسلامی: بهار ۸۸۳۱ - شماره ۲۷ از ۲ تا (زارعی، ۱۳۶۵) (<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/430124>).
- بهشتی، سعید علوم تربیتی: پژوهش‌های تربیت اسلامی: زمستان ۹۷۳۱ - شماره ۴ از ۵۰۵ تا ۸۱۵ (<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/101282>).
- حاجی ملأ میرزایی، حمید، حامد. ملا میرزایی، نشریه اطلاع رسانی و کتابداری، نشریه دانش، آذر و دی ۱۳۸۸، شماره ۱۱۷، پایگاه (hoormags.com). از فاوانامه، ۱۳۸۷: ۱۲۲ و ۱۲۴ واحد تحلیلی خبری دنیای مخابرات، ۱۳۹۱).
- زارعی، اسماعیل (۱۳۹۲). مبانی نظری و عملی کاربرد اینترنت در فرایند تدریس و یادگیری. تهران: انتشارات آوای نور
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران آذر ۱۳۹۱
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: شرکت چاپ ۱۲۸
- معینان، داوود، شبیه سازی رایانه‌ای، مجله رشد تکنواوژی آموزشی، شماره ۷ فروردین ۱۳۸۸).
- یزدی خواستی، بهجت و همکاران. حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال چهاردهم، بهار ۱۳۹۲).

Adams, A. M. (2004). Pedagogical underpinnings of computer-based learning. *Journal of Advanced, Nursing*, 46 (1), 5-12.

All illustrations, except as otherwise noted, are copyright © 2010 by William Horton Consulting.

Allen, I., & Seaman, J. (2004). *Entering the mainstream: The quality and extent of online education in the United States, 2003 and 2004*. Wellesley, MA: Sloan Consortium.

Angela m. Williams (2010). web 2.0 technologies for problem – based and classes. *Journal of Political Science Education*, 3, 131-142.

(<http://www.askdrwiki.com>)

Collaboration learning. Glyndwr university. Copyright © 2012 by John Wiley and Sons, Inc. All Rights Reserved.

Communications & Strategies, Retrieved 12 July 2008 from SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1008839>

Engstrom, R. N. (2008). Introductory American (government in comparison: An experiment. *Journal of Political Science Education*, 4, 394–403.

Horton, William, e-learning by design. Published by, Pfeiffer (www.pfeiffer.com) An Imprint of Wiley, 1989, Market Street, San Francisco, CA 94103-1741.

Patterns and Business Models for the Next Generation of Software.

Picciano, A. G., & Seaman, J. (2007). K–12 online learning: A survey of U.S. school district administrators. The Sloan Consortium. Retrieved March 6, 2009, from: <http://www.sloan.org/publications/survey/pdf.2007>.

Siemens, G. (۲۰۰۴). *Connectivism: A Learning Theory for the Digital Age*. Retrieved 14 July, 2008, from (<http://learningwithwikis.wikispaces.com/space/showimage/elearnspace.+Connecti>)

Souter, K. (۲۰۰۸) MUVE-ing in web 2.0 EQ, Winter 2008@Curriculum Corporation. Retrieved, August 28, 2008 from (<http://www.curriculum.edu.au/eq/2008winter/article1.php>)

Wilson, B. M., Pollock, P. H., & Hamann, K. (2007). Does active learning enhance learner outcomes: Evidence from discussion participation in online

